



مؤسسه توانبخشی ولیعصر (عج)

## آهنگ درمانی

تنظیم: عاطفه ملامسینی

کارشناس گفتاردرمانی

تلفن: ۳-۸۸۷۷۳۱۰۲

نمبر: ۸۸۷۷۳۱۰۶

<http://www.vrf.ir>

info@vrf.ir

## بسمه تعالی

### مقدمه

اگر موسیقی را مجموعه‌ای از اصوات موزون و دارای ریتم تعریف کنیم، می‌توان ادعا کرد که اصولاً زندگی هر انسانی با موسیقی آغاز می‌شود، چرا که صدای موزون قلب هر مادری برای فرزندى که به دنیا خواهد آورد می‌تواند به عنوان موسیقی آرام بخش تلقی شود. لانگر معتقد است «هنر خلق شکل‌های نمادین احساسات آدمی است» و موسیقی بطور خاص قادر به نمایش انرژی حیات عاطفی، تعارضات و تنیدگی‌های درون و سیر قهقرایی رشد و خودانگیختگی آدمی است. در ساختمان عصبی انسانها بطور فطری گرایش به دنیای موزون اصوات و موسیقی وجود دارد. درحقیقت اساس موسیقی که ریتم، ملودی و هارمونی است با بدن انسان و اساس فیزیولوژی آن در ارتباط است.

موسیقی درمانی: تعاریف مختلفی برای موسیقی درمانی وجود دارد، اما در اینجا منظور از موسیقی‌درمانی، بهره‌گیری و استفاده خلاقانه از موسیقی جهت نیل به اهداف درمانی مشخص شده می‌باشد.

### آهنگ درمانی Melodic Intonation Therapy:

پژوهشگران با انجام تحقیقاتی به این نتیجه رسیده‌اند که موسیقی‌های موزون و هماهنگ چندین منطقه از مغز را به تحریک واداشته و در نتیجه می‌توانند برای درمان اختلالات گفتاری و زبانی نیز مورد استفاده قرار گیرند. براساس گزارشی که در نشست سالانه

«انجمن علم اعصاب» لس‌آنجلس ارائه شد، آموزش موسیقی کلاسیک موجب بزرگتر شدن بخش‌هایی از مغز می‌شود.

دانشمندان مدت‌هاست که در مورد چگونگی عکس‌العمل مغز در مقابل صداها و آهنگ‌های موزون بر سلول‌های مغز و تفاوت مغز موسیقی‌دانها با افراد عادی سرگرم مطالعه هستند. آزمایش‌های انجام شده نشان داده است که مخچه افرادی که از تمرینات موسیقی کلاسیک برخوردار بوده‌اند بزرگتر از افرادی است که قادر به نواختن آلات موسیقی نیستند. به گفته این پژوهشگران به نظر می‌رسد که این تغییر در مخچه بتدریج بوجود آمده باشد و موسیقی دانان با آن متولد نشده باشند.

در تحقیقات مربوط به عکس‌العمل مغز در برابر موسیقی هم، مشخص شده است که با افزایش میزان ناموزونی موسیقی بخشی از قسمت راست مغز فعال می‌شود، در حالیکه با افزایش میزان موزون بودن موسیقی، بخش‌هایی در هر دو طرف مغز که احساسات را کنترل می‌کنند به فعالیت می‌پردازند.

در گفتار درمانی از روش آهنگ درمانی برای درگیر نمودن نیمکره راست مغز بهره‌جویی می‌شود. آلبرت و همکارانش این روش را با عنوان (MIT) برای درمان زبان پریشی بکار بردند. به گفته آنها نیمکره راست گرچه برای زبان غیر فعال (non-dominant) است، ولی علاوه بر فعالیت‌های دیگر در خدمت الگوهای آهنگین، وزن و مشخصات آهنگین گفتار قرار می‌گیرد. به علاوه اعتقاد بر این

است که در شرایط عادی، نیمکره راست زیر نفوذ یا کنترل نیمکره غالب قرار دارد؛ بنابر این ممکن است نیمکره راست بتواند به عنوان یاری دهنده نیمکره غالب و احتمالاً کاهش دهنده نقش غالب زبانی نیمکره دیگر عمل کند.

از این رو، توانایی‌های زبانی بازداری شده نیمکره غیر غالب را (نیمکره راست) با برانگیختن آن و تجدید سازمان فرآیندهای بین نیمکره‌ها می‌توان افزایش داد.

روش آهنگ درمانی (MIT) شامل آموزش درمانجو برای خواندن (آوازخوانی) آنگوهای آهنگین زبان بر اساس وزن و آهنگ زبان گفتاری است. هدف اصلی این روش بدست آوردن توانایی در کاربرد دقیق بخشی از زبان است.

در این روش طول جمله‌ها و میزان دشواری فعالیت زبانی به تدریج افزایش می‌یابد. درمانگر همراه با درمانجو الگوهای آهنگین را زمزمه می‌کند و در این حال وزن و ریتم جمله‌ها را با دست برای بیمار تکرار می‌کند. استفاده از موسیقی در این زمان بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود. گوش دادن به موسیقی متناسب، همراه با استفاده از این روش، بیان جملات و کلمات را تسهیل می‌ند.

از روش آهنگ درمانی می‌توان برای درمان بیماران زبان پریش (Aphasic)، لکتی (Stutter) و کودکان دچار تأخیر در رشد گفتار و زبان (DSL) استفاده نمود.

## شنیدن موسیقی و استفاده از آن در درمان اختلالات گفتار

### و زبان:

با توجه به اهمیت موسیقی در درمان، گفتار درمانگر می‌تواند بر حسب نوع اختلال مراجع، سن و علاقه وی، موسیقی را به عنوان یک روش درمانی در کنار سایر روش‌ها، در برنامه درمانی بیمار بگنجانند.

موسیقی را می‌توان برای رسیدن به اهداف زیر مورد استفاده قرار داد:

- \* تقویت کننده ارتباط درمانگر- درمانجو و افزایش مهارت‌های ارتباطی: مهمترین مسئله در درمان اختلالات گفتار و زبان ایجاد رابطه متقابل مناسب میان گفتار درمانگر و درمانجو می‌باشد. در چنین رابطه تأثیر گذاری است که می‌توان از بیمار انتظار همکاری، تغییر و بهبود را داشت. موسیقی می‌تواند موانع موجود برای برقراری ارتباط مناسب را از میان برداشته و بستر مناسبی برای ارتباط متقابل ایجاد کند.

- \* ارتباط سطح هوشیاری و تقویت ادراک فرد: گوش دادن به موسیقی باعث افزایش توجه و تمرکز شده و میزان دقت و هوشیاری فرد را افزایش می‌دهد. بنابراین می‌توان از آن برای کودکان دچار کمبود توجه و تمرکز و بیش‌فعالی (ADHD) و سایر کودکان استفاده نمود.

- \* ایجاد تحریکات شنوایی و بازخورد آن: حس شنوایی نقش بسیار مهمی در کسب گفتار و زبان دارد و هر گونه اختلال در دریافت و یا پردازش آن، مشکلاتی در گفتار یا زبان بوجود خواهد آورد. استفاده از موسیقی باعث افزایش دقت، تشخیص و تمیز شنوایی شده و موجبات

تسریع در زبان آموزی و بهبود گفتار را فراهم خواهد نمود.

- \* افزایش هماهنگی و مهارت در کنترل حرکات صورت و اندام‌های گفتاری: از موسیقی با توه به ریتمیک بودن آن می‌توان برای هماهنگ نمودن حرکات اندام‌های گویایی و افزایش دامنه حرکتی آنها استفاده نمود. علاوه بر این مشخص شده است که شنیدن موسیقی همزمان با انجام ماساژ یا PNF، برای بیمار بسیار تأثیر گذار و لذت‌بخش خواهد بود.

- \* ایجاد آرامش و برون‌فکنی احساسات و عواطف: اختلالات گفتار و زبان در اکثر موارد برای فرد فشار، هیجان و تنش به دنبال خواهد داشت، به همین دلیل از موسیقی می‌توان برای برون‌فکنی این احساسات و آرامش‌بخشی استفاده نمود. در نتیجه درمانجو احساس بهتر و روحیه بالاتری خواهد داشت و انگیزه و همکاری بیشتری برای درمان از خود نشان خواهد داد.

اهداف فوق در برنامه درمانی طیف وسیعی از مبتلایان به اختلالات گفتار و زبان در نظر گرفته می‌شود. بنابراین از موسیقی (شنیدن آن) می‌توان برای درمان کودکان دچار تأخیر در رشد گفتار و زبان (ناتوان هوشی MR) کم‌شنوا HL، اوتستیک و آسیب مغزی)، افراد دچار گفتار فلجی (Dysarthry)، لکت و دیگر ناروانی‌های گفتار، فرد دچار اختلال تولید گفتار و زبان پریش استفاده نمود.

### منابع:

- زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان، دکتر رضا نبلی‌پور
- موسیقی درمانی برای همه، نوشته: تد- اندروز ترجمه: آذر عمرانی گرگری
- آموزش موسیقی و موسیقی درمانی کودکان استثنایی، تألیف: علی زاده محمدی
- مقالات ارائه شده در اولین همایش موسیقی درمانی ایران